

کتاب درسی تنها رسانه یادگیری نیست

پای صحبت دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی دوره‌های ابتدایی و نظری



دکتر محمود امانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های درسی معتقد است، کتاب درسی، تنها رسانه یادگیری نیست و منابع آموزشی متنوع، فضای یادگیری را برای یادگیرنده ارتقا می‌بخشند. امانی با تأکید بر اینکه رعایت اصول برنامه درسی، چارچوب اصلی برای استاندارد بودن یک اثر است، جای کتاب‌هایی را که برای کتابخانه کلاسی مناسب باشند، خالی دانست.

عمده از آمدن به مدرسه، یادگرفتن پاره‌ای از مفاهیم و مهارت‌ها نیست، بلکه یادگرفتن راه یادگرفتن است که بخش عمده‌ای از این موضوع مربوط به استفاده از منابع یادگیری است. پس ارجاع به کتاب‌های غیردرسی یک ضرورت است.

هدف عمده از آمدن به مدرسه، یادگرفتن پاره‌ای از مفاهیم و مهارت‌ها نیست؛ بلکه یادگرفتن راه یادگرفتن است

جنبه سومی که به این موضوع اهمیت می‌دهد، ضرورت «مهارت خواندن» همراه با درک و فهم است. مهارت خواندن از مهم‌ترین کلیدهای یادگیری است و این از طریق کتاب حاصل می‌شود. هر چه رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی هم پیشرفت می‌کند، می‌بینیم که نقش خواندن پررنگ‌تر می‌شود؛ چون بیشتر مبتنی بر متن هستند. بنابراین، این موضوع هم بر اهمیت استفاده از کتاب کمک‌آموزشی می‌افزاید.

← به نظر شما منابع کمک آموزشی در فرایند یاددهی - یادگیری تا چه میزان تأثیرگذارند؟

ما برای ارتقای کلاس درس الگویی را به برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتاب‌های درسی و معلمان ارائه کرده‌ایم. در این الگوی مثلثی، قاعده «طراحی آموزشی» است؛ یک ضلع آن «رسانه‌های آموزشی پرشمار» و ضلع دیگر «ارائه آموخته‌ها توسط دانش‌آموزان» است. رسانه‌های آموزشی پرشمار به این معناست که کتاب درسی نباید تنها رسانه یادگیری باشد. در کنار کتاب درسی سایر منابع یادگیری، مثل کتاب‌های موضوعی، کتاب‌های مرجع، کتاب‌های آموزشی مناسب و کتاب‌های کمک‌درسی در کنار نرم‌افزارها، انیمیشن‌ها، تصویرها، متن‌های صوتی و... جزء منابع آموزشی به حساب می‌آیند. طبیعتاً یکی از این رسانه‌ها انواع کتاب‌های کمک‌آموزشی هستند که فضای یادگیری را ارتقا می‌بخشند.

از یک جنبه دیگر هم باید به این موضوع اهمیت داد. هدف



← شما به منابع و رسانه‌های مناسب و متنوع اشاره کردید. از نظر دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، منابع استاندارد چه منابعی هستند؟

ما در برنامه‌های درسی رویکرد معینی داریم که نگاه ما را به دانش‌آموز تبیین می‌کند. نگاه ما به دانش‌آموز یک صندوق ذخیره اطلاعات نیست؛ بلکه یک منبع دریافت، پردازش و مفهوم‌ساز است. یعنی دانش‌آموز نقش مولد و تولیدکننده مفهوم را دارد. نقش مولد، نقش فعال در فرایند یادگیری است. کتابی استاندارد است که این نقش را تقویت کند، با برنامه درسی سازگار باشد و از رویکردهای برنامه درسی پشتیبانی کند. مهم‌ترین بخش این رویکردها نگاهی است که به یادگیرنده و فرایند یادگیری وجود دارد. از این رو کتاب‌هایی که در نقش حل‌المسائل وارد بازار می‌شوند، مطلقاً مورد تأیید ما نیستند. کتاب‌هایی مورد تأیید ما هستند که تفکر، درک عمیق، تجزیه و تحلیل، مواجهه با کار و استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت جدید تقویت کنند. در این صورت کتاب سازگار با برنامه درسی است. ملاک ما در تأیید و رد کتاب‌های کمک‌آموزشی، برنامه درسی است.

کتاب‌هایی مورد تأیید ما هستند که تفکر، درک عمیق، تجزیه و تحلیل، مواجهه با کار و استفاده از آموخته‌ها را در موقعیت جدید تقویت کنند

← برخی از صاحب‌نظران معتقدند که منابع کمک‌درسی در سال‌های گذشته رشد بی‌رویه و نامطلوبی داشته‌اند. ریشه این اتفاق را چه می‌دانید؟

وقتی کاری توسط بنگاه‌ها و افراد مختلف و متعدد تولید می‌شود، طبیعی است که تنوع و فراوانی وجود داشته باشد. بنابراین نباید از آن استنباط آشفته‌بازار داشته باشیم. بلکه این تنوع لازمه کاری است که توسط افراد مختلف در موقعیت‌های گوناگون با دیدگاه‌ها و درک و فهم متفاوت صورت می‌گیرد. اما همه آن‌ها باید به اصولی پای‌بند باشند. ما این اصول را اصول برنامه درسی می‌دانیم. بنابراین وجود تنوع به‌طور کلی خوب است. البته پاره‌ای از آثاری که اکنون در بازار می‌بینیم، نه با برنامه درسی سازگارند نه کیفیت قابل توجهی دارند. این نوع منابع، اعتبار کلی افرادی را که در این زمینه فعالیت دارند، مخدوش می‌کنند. پس باید مبارزه‌ای توسط خود ناشران با کتاب‌های سطح پایین و کم‌کیفیت صورت بگیرد تا ارج و اعتبار ناشران به گونه‌ای باشد که هیچ‌کس شک و تردیدی نسبت به آن‌ها نداشته باشد. به نظرم حرکت کلی در این زمینه خیلی خوب بوده است. یعنی اگر به کتاب‌های ۳۰-۲۰ سال پیش برگردیم، می‌بینیم که رشد کتاب‌های آموزشی در کشور امیدوارکننده

بوده است. در قدیم ما کتاب‌های تألیفی خوب نداشتیم، در حالی که اکنون رشد خوبی داشته‌اند.

← ما همواره درباره ضرورت استفاده از منابع استاندارد تأکید کرده‌ایم، اما شاید کمتر به آسیب‌های منابع غیراستاندارد توجه داشته‌ایم. به نظر تان منابع غیراستاندارد چه آسیبی به یادگیرنده و فرایند یاددهی-یادگیری می‌زند؟

مهم‌ترین آسیبی که ممکن است این مواد آموزشی وارد کنند این است که روند رشد دانش‌آموز را مختل کنند، به طوری که به نقطه‌ای که باید برسد، نمی‌رسد. مثلاً دانش‌آموز باید در موقعیتی قرار بگیرد که فکر کند و تولید فکری داشته باشد. اگر این فرصت را از دانش‌آموز بگیریم و پاسخ مستقیم را به او بدهیم، نتیجه این می‌شود که به نقطه‌ای که باید می‌رسد و این بزرگ‌ترین لطمه است. جمله‌ای از پیازه مشهور است که وقتی معلم و مربی یا والدین مطلبی را مستقیم به یادگیرنده بیاموزد، لذت یادگیری و کشف را از او سلب می‌کنند. این خود یک لطمه بزرگ است.

← به نظر می‌رسد، ناهماهنگی بین بخش‌های گوناگون در آموزش و پرورش، خود یکی از موانع پیشرفت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی است. برای این موضوع چه می‌توان کرد؟ برای مثال، یکی از نقدهایی که به ما وارد می‌شود، این است که بخش ارزشیابی، مروج برخی آثار غیراستاندارد است.

این نقد تا حدی درست بود، اما در طول سال‌های گذشته اقدامات خوبی برای اصلاح این موضوع صورت گرفته است. مثلاً در دوره ابتدایی همه آزمون‌های مغایر لغو شده‌اند. در نوع و کیفیت آزمون‌های مدرسه‌های استعدادهای درخشان هم تغییرات جدی حاصل شده است. وزارتخانه می‌کوشد این جریان را بهبود ببخشد و قدم‌های بسیار خوبی هم برداشته شده است. جریان ارزشیابی به مقدار زیادی متفاوت شده است، اما بروز و ظهور اجتماعی‌اش باید باید به گونه‌ای باشد که همه آگاه باشند.

← خانواده‌ها هم بخش مهمی از موضوع سامان‌دهی هستند. معلمان گاه از فشاری که برخی خانواده‌ها برای معرفی منابع کمک‌درسی وارد می‌کنند، گله دارند. آیا آگاه کردن خانواده‌ها در حیطه وظایف ما هست و اساساً چگونه می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟

به‌نظر من کار ترویجی وظیفه همه است. امکان دارد این وظیفه نوشته نشده باشد، اما عقل سلیم در این باره به همه ما حکم

می‌کند که کار ترویجی کنیم. در کار ترویجی مخاطب همه افرادی هستند که در این حوزه مؤثرند؛ از جمله والدین. در سال گذشته ما با مدیران مدارس پروژه‌های را اجرا کردیم و فهرستگان به همه مدارس کشور فرستاده شد. شاید مشابه این نوع کار به دلیل تعداد زیاد، برای خانواده‌ها به شکل چاپی امکان‌پذیر نباشد، اما می‌توانیم در فضاهای مجازی فضایی را به وجود آوریم و تبلیغ کنیم. در این فضا می‌توانیم به خانواده‌ها بگوییم که اگر می‌خواهید برای فرزندتان کتابی تهیه کنید، باید مانند خرید دارو عمل کنید. برای خرید دارو نسخه وجود دارد و برای خرید کتاب مناسب هم به کار تخصصی و علمی نیاز داریم تا بدانیم دانش‌آموز به چه نوع کتاب‌هایی نیاز دارد و چه نوع کتاب‌هایی مناسب اوست. بخش سامان‌دهی همین کار را انجام می‌دهد. بنابراین خانواده‌ها باید از برودادهای سامان‌دهی برای تغذیه فرزندانشان استفاده کنند. این موضوع باید به اطلاع خانواده‌ها برسد. آن‌قدر باید بر این موضوع تأکید کرد که خانواده‌ها قبل از خرید کتاب، نگاهی به فهرست کتاب‌های سامان‌دهی بیندازند. نکته دومی که در این زمینه باید بر آن تأکید کرد، تسهیل تهیه کتاب است. دشواری تهیه سبب می‌شود که اقدامی صورت نگیرد. ما برای این موضوع سازوکاری به نام «پخش مدرسه» در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» پیش‌بینی کرده‌ایم. از طریق پخش مدرسه می‌توان کتاب مورد تأیید سامان‌دهی را با یک تلفن یا سفارش اینترنتی تهیه کرد.

← بیش از یک دهه است که سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی فعالیت می‌کند. ارزیابی شما از عملکرد این بخش چیست؟

من درباره کلیت کاری که صورت می‌گیرد، دید مثبتی دارم. افرادی که این کار را برعهده دارند، به آن معتقدند. خود آن‌ها در شکل‌گیری آن سهیم بوده‌اند و احساس مالکیت دارند. بنابراین کار خود را با انگیزه بسیار جدی پیش می‌برند. باید حلقه‌های تکمیلی و پشتیبان را به خوبی شکل داد. مثلاً یکی

از این حلقه‌های تکمیلی پخش مدرسه است. علاوه بر این، فعالیت‌های تبلیغاتی این کار هم مهم است. یعنی ایجاد فضایی که این پیام، به عنوان پیام سازنده و مثبت به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برسد. به این منظور، در انتهای پاره‌ای از کتاب‌های درسی، کتاب‌هایی که امتیاز برتر را کسب می‌کنند، معرفی می‌شوند. این نوعی تبلیغ آثار مناسب است. ما این کار را با جدیت انجام می‌دهیم، به طوری که به تدریج جزئی از فرایند و سازوکار تولید کتاب خواهد شد.

علاوه بر این، به ناشران هم مشورت می‌دهیم تا تولیدات خود را به سمت تولیدات استاندارد هدایت کنند. ضمن اینکه

سیاست کلی ترویج رسانه‌های پرشمار بر این اساس است که در کلاس‌های درس از منابع آموزشی به صورت سامان‌یافته استفاده شود. این موضوع نیازمند پاره‌ای از تولیدات ویژه‌سازی شده برای داخل کلاس‌های درس در پایه‌های معین است. جای این نوع از تولیدات هنوز خالی است. کتاب‌هایی هم که در این زمینه تولید شده‌اند، بسیار اندک‌اند. منظور من کتابی است که بتوانیم روی آن مهری بزیم مبنی بر مناسب بودن آن برای کتابخانه کلاسی پایه. ناشران برای تولید

چنین کتاب‌هایی می‌توانند از برنامه درسی به عنوان چارچوب محتوایی و از کتاب درسی به عنوان بستر یادگیری استفاده کنند و به تولید مطالب پشتیبان دست بزنند.

من امیدوارم ناشران به این تولیدات بیشتر روی بیاورند و معلمان هم از این کتاب‌ها بیشتر در کلاس درس استفاده کنند. در نهایت اینکه فضای سامان‌دهی، فضای توقف نیست. من بیشترین نقش را برای کسانی می‌دانم که باید از این کار حمایت جدی داشته باشند. به طور کلی، طرح سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی از جمله طرح‌هایی است که از کلیت اجرای آن باید به طور جدی ابزار رضایت کنیم.

مهم‌ترین آسیبی که ممکن است مواد آموزشی نامناسب وارد کنند این است که روند رشد دانش‌آموز را مختل کنند، به طوری که به نقطه‌ای که باید برسد، نمی‌رسد